

## اعلامیه

### نهضت آزادی ایران

به ملت ایران که می‌خواهد - از حقایق آگاه شود - عوامل و مسوولین واقعه اول بهمن را بشناسد و تکلیف خود را در این ایام و آینده بداند.

هموطنان

دو سال است که درست مقارن با جشن ملت شیعه ایران و عید بزرگی که بافتخار ولادت امام غائب و در انتظار پیروزی حق بر باطل و جایگزینی داد بر بیداد بر پا می‌کند دانشگاه تهران که مهد پرورش جوانان و مظهر امید و آینده کشور است مرکز ستمگری و کینه جوئی‌های هیئت حاکمه می‌گردد، درست در همین مکان مقدس است که نیروهای حق طلب نسل جوان ما که سازنده آینده کشور است با نیروهای پوسیده که فقط به گذشته تاریک و ننگین خود مغرور و متکی است مواجه می‌شود. اگر در دیماه سال قبل دانشجویانی را که خواستار چیزی غیر از آزادی انتخابات نبودند در میان نرده‌های دانشگاه زندانی کرده راه رساندن غذا و پوشاک و رختخواب را بروی آنها بستند و فردای آنروز هم که برای شرکت در جشن نیمه‌شعبان عازم خانه خدا بودند با آب سرد و باتون گرم استقبال نمودند. امسال تیغ عناد و کینه را پیش‌تر رانده بداخل دانشگاه یورش بردند. روز اول بهمن ماه ۱۳۴۰ ایادی مرموز ولی شناخته با تحریک مستقیم و غیر مستقیم وضعی در محیط پاک دانشگاه ایجاد نمودند که حتی ذکر آن در دنیای امروز شرم آور و اسف انگیز است.

عده‌ای از قوای انتظامی مرکب از پلیس و چتربازو کماندوهای ارتش شاهنشاهی بطوریکه در اعلامیه اعتراضیه رئیس دانشگاه تهران هم بیان شده است بدون هیچگونه مجوزی به محوطه دانشگاه حمله بردند بنحوی که گوئی برای قلع و قمع یک قشون بیگانه و در خاک دشمن پیاده شده‌اند.

افراد پلیس و ژاندارم و چترباز در سرزمین دانشگاه یعنی در قلب پایتخت میهن پای نهادند و با شریفترین و گرامی‌ترین فرزندان وطن چنان دست بگریبان شدند که هیچ پدر کشته‌ای با دشمن خود آنچنان انتقام‌جوئی نمی‌کند.

همه می‌دانند که هرگاه یک فرد نظامی یا پلیس برای نوعی خرابکاری یا شتم و جرح و قتل دستور قبلی و تعلیم خاصی نیافته باشد بحکم انضباط و مقررات مخصوص خود تقریباً محال است به کارهایی مبادرت نماید که مخالف همان انضباط و مقررات یا لااقل مخالف اصول هم‌نوعی و هم‌وطنی و هم‌کیشی می‌باشد. چگونه می‌توان تصور نمود که یک فرد نظامی از تعقیب و تنبیه بعدی نهراسیده در داخل دانشگاه هزاران نفر از برادران دانشجوی خود را که همیشه هدفی جز یک اجتماع منظم و تظاهر آرام نداشته‌اند تا حد مرگ مورد ضرب سرنیزه و دشنه و قنداق تفنگ و باتون و سنگ و آجر قرار دهد ضمن اخباری که بقول روزنامه کیهان مورخه ۳/۱۱/۴۰ وسیله «بعضی از مقامات» در اختیار روزنامه گذارده‌اند گفته شده است گردانندگان این تظاهرات جمعیت حامیان قانون اساسی و ملاکین مخالف اصلاحات ارضی یعنی عوامل غیر دانشجویی و ملی بوده‌اند و یگانه عکس العمل قوای انتظامی را کوشش مسالمت آمیز و پرتاب گازاشک آور از خارج دانشگاه بیان کرده و یک کلمه از یورش آنها بداخل دانشگاه و ارتکاب اعمال فجیع سخن نمی‌گوید. بنابراین ما لازم می‌دانیم مختصری از این جریان برای اطلاع عامه منتشر گردد.

نیروهای باصطلاح انتظامی کلیه دانشجویان اعم از دختر و پسر را تا داخل کلاسها، انبارها زیرزمینها تعقیب کرده به قصد کشت بر سرورویشان می‌زدند وقتی دانشجویان بیهوش بر زمین می‌افتادند به پیکرشان می‌کوبیدند باین ترتیب قریب ششصد نفر مجروح شدند و در بیمارستانهای پهلوی - سینا - فارابی - شیر و خورشید و بیمارستان شهربانی بستری شدند که حال بعضی از آنان همچنان وخیم است در جریان یورش و حمله دیده شد مجروحین را که بخارج

می‌بردند از آمبولانس بیرون کشیده و نقش زمین کرده دوباره می‌کوفتند. استادان و اولیای دانشگاه را وسیله ضرب و شتم مورد اهانت قرار دادند اتومبیل آنان را بقصد تخریب واژگون کردند و می‌ز رؤسای دانشکده‌ها را سوراخ کردند درها و پنجره‌ها و شیشه‌ها را شکستند در آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها و اطاقها و دفاتر دانشکده‌ها وسایل علمی و فنی و آزمایشی را ریختند و شکستند بطوریکه جبران آنها در اغلب موارد مقدور یا آسان نیست و خبرگزاری فرانسه می‌زان لطماتی را که وارد آمده است قابل تقویم و پیش‌بینی نمی‌دانند.

بعضی از مأمورین انتظامی محتویات جیب و کیف دانشجویان از قبیل ساعت و پول و نظائر آنرا عنفا تصرف کرده‌اند که یک دختر دانشجو را با تهدید بضرر سرنیزه مجبور کرده‌اند که خود را از طبقه دوم عمارت دانشکده حقوق بخارج پرتاپ کند لباس دو دختر دانشجو را در هم دریده از تمایل به تجاوز ناموسی هم خودداری نکرده‌اند. اینک در همه جا این سؤال مطرح است که هرگاه مأمورین انتظامی فرضاً برای گوشمالی دانشجویان مقصر حریم حرمت و استقلال دانشگاه را شکسته‌اند چرا با در و پنجره و لابراتورها و وسایل گرانقیمت دانشگاه در افتاده‌اند؟ آیا ماشین تحریر دفتر دانشکده هم (آزادخواه) بود. یا از کتابها بی سر و صدای کتابخانه‌ها نیز صدای «زنده باد مصدق» شنیده می‌شد که بریختن و شکستن و پاره و پامال شدن محکوم شده‌اند؟ مردم می‌گویند چگونه می‌توان قبول نمود نقشه در کار نباشد و مأموریت قوای انتظامی مامور دانشگاه تخریب و انتقام و زهرچشم تلقی نشود که زهر چشم از همه کس و از هر چیز حتی از اتومبیل‌های استادان دانشگاه.

فجایع مذکور بقدری دلخراش و هیجان آور بود که یکی از رؤسا دانشکده‌ها را بحال بیهوشی انداخت. در آن ساعت روسای دانشکده‌ها باتفاق رئیس دانشگاه در عمارت دبیرخانه کمیسیون مالی داشتند و از همانجا ناظر صحنه‌های خون آلود و دلخراش دانشگاه بودند رئیس دانشگاه و رؤسا دانشکده برای جلوگیری از حملات وحشیانه خیلی کوشیدند - به مقامات مسوول تلفن کردند ولی نتیجه نگرفتند ناچار بشور پرداخته به صدور اعلامیه مختصر ولی مهمی مبادرت نمودند که ذیلا درج می‌شود ولی رادیو و جراید طبق دستور از انتشار آن خودداری کردند تا حقیقت واقعه و شهادت ناظرین صلاحیت دار از مردم ایران مکتوم بماند.

و اما چون نمی‌توانستند قضیه را انکار نمایند و حقیقت را منقلب سازند مسئله اصلاحات ارضی و تحریکات عناصر مخالف این قدم باصطلاح اصلاحی را موضوع و محرک جریان ناگوار دانشگاه معرفی کردند غافل از اینکه این عذر بدتر از گناه که حسب الامر تحت عنوان (اظهار یک مقام وابسته دولت) توسط مأمورین مخفی در تفسیر حادثه اول بهمین به روزنامه‌ها دیکته شده حقایق اظهر من الشمس را پرده پوشی نخواهد کرد. می‌گویند پلیس (عصبانی ۹ شده و این واقعه روی داده است آیا پلیس باید عصبانی شود یا ملت ایران و نسل جوان آن که سالها است بازیچه جاه طلبی و منفعت پرستی عده‌ای از خدا بیخبر و خائن و خودخواه گردیده از حقوق خدائی و انسانی محروم شده‌اند؟

دانشجویان را یک روز در پای صندوقهای انتخاب می‌زنند تا وکلای دروغی به مجلس بفرستند - انتخابات فرمایشی را انجام می‌دهند و چون رسوا می‌شوند آنرا باطل می‌کنند و بلاخره چون می‌ترسند در انتخابات مجدد چند نماینده واقعی به مجلس راه یافته صدای مردم را بگوش جهان و جهانیان برسانند می‌گویند اصلا انتخابات خلاف مصلحت و اصلاحات است و بهتر است موقوف شود؟

پس از بستن پرونده انتخابات زمزمه وجود توطئه‌هائی بمنظور استقرار حکومت صدرصد نظامی بر سر زبانها بود از چند ماه باین طرف مردم می‌شنیدند و انتظار داشتند سیاستهای مرموز و افراد شناخته شده آنها دستها و افکار پلیدی را در صفوف خالص و احساسات حق طلبانه مردم داخل کرده می‌خواهند با منقلب کردن و منحرف ساختن جریانها برخوردار دیگری سوار شوند و باز هم به نام ملت تازیانه به پشت بزنند حادثه اول بهمین ماه یکی از مظاهر بارز این توطئه می‌باشد.

چون در آنروز هم ورود بدان‌شگاه با ارئه کارت دانشجویی نبود افراد مشکوک مخصوصی در داخل دانشجویان راه یافتند تدارکات و تحریکاتی هم قبلاً به عمل آمده بود به قرائن خیلی قوی سنگ اول را از خارج بدخل دانشگاه پرتاب کرده‌اند یا خارجیان داخل دانشگاه در این کار پیشقدم شده‌اند والا سابقه امر نشان داده است که هر جا تظاهرات خالص ملی و دانشجویی چه در میدان جلالیه و خانه فخرآباد و باشگاه نهضت آزادی و چه در خود دانشگاه صورت گرفته انضباط و متانت کامل حکمفرمائی کرده است هر جا صنف خالص و منحصر دانشجویی حضور داشته نظم و آرامش خصوصاً رعایت احترام و امنیت عمومی هم وجود داشته است بنابراین مردم خوب می‌دانند که تمام این حرفها بهانه است همانطوری که لکه‌های خون سه دانشجوی مظلوم واقعه شانزدهم آذرماه ۱۳۳۲ با همه مخالفت‌ها و نیرنگ‌ها از ستون‌های سرسرای دانشکده فنی پاک نگردیده و بالعکس صدای اعتراض جوانان سال بسال رساتر شده خاطره صحنه فجیع اول بهمن ماه ۱۳۴۰ نیز هرگز از لوح خاطرها و ساحت دانشگاه محو نخواهد شد و آغاز شوم آن دامن محرکین اصلی را دیر یا زود خواهد گرفت.

هموطنان - این پیش آمد با همه خلاف انتظار و خلاف منطق بودن آن از لحاظ یک نتیجه عمومی بسیار منطقی و ارزنده بود. رفتار مأمورین انتظامی در این حادثه عناد عظیم و کینه عمیقی را که هیئت حاکمه نسبت بملت ایران خصوصاً نسبت بدانش و حقیقت و عدالت دارد مشعشانه روشن نمود و سد عبور ناپذیر و محکمی را که بین مردم و هیئت حاکمه وجود دارد محکم‌تر ساخت.

ملت ایران منشاء تمام فجایع و مفاصد را نیک می‌شناسد - بنظر ملت ایران مسوول حادثه اول بهمن ماه و تظاهرات متعاقب آن و قتل دانش آموزان را کسانی می‌داند که قوای انتظامی را رهبری و سرپرستی می‌کنند و حال اگر دولت نظارت و حکومت بر قوای انتظامی داشته و دارد مسوول است و باید محاکمه شود و اگر خود آلت بدون اراده و اختیاری در ید آنهاست باید صریحاً بگوید که قوای انتظامی از کجا و چگونه دستور می‌گیرند ملت ایران و دانشجویان عزیز بیدار و هوشیارند - حرکات اخلاکرانه و منحرف کننده مانند آتش زدن کامیون پلیس و تظاهر آنرا از خود نمی‌دانند و با چنین عملیاتی شدیداً مخالف هستند.

هموطنان - حالا که گوشه از حقیقت امر بر شما روشن شد لازم است خود را برای خنثی کردن توطئه‌های دیگر آماده کنید - شایسته‌ترین وسیله و روش جهت انجام این مقصود ادامه مبارزه با کمال مآل اندیشی و تدبیر و هوشیاری و خصوصاً آگاهی از وضع سیاسی مملکت است شما باید در مبارزه خود متکی بر حق و قانون و مصلحت عمومی باشید. و اما شما دانشجویان ارجمند و فداکار - ضمن مطالبه تعقیب فوری مسوولین واقعه اول بهمن ماه سعی کنید دانشگاه بحکم قانون استقلال آن و لزوم رفع تعطیل درس مجدداً باز شود و استادان و رؤسائی که از طریق قانونی و به رأی شورا انتخاب شده‌اند کار اداره و تدریس خود را از سر گیرند و در برابر تصمیم احتمالی تعطیل دانشگاه با توسل به وسائل منطقی و قانونی مقاومت کنید و اجازه ندهید چراغ خانه علم و فضیلت را خاموش کنند و محیط مقدس و منور دانشگاه ما را در سکوت شوم و غم انگیزی فرو برند.

نهضت آزادی ایران هر حرکت خلاف نظم و هر اقدام خلاف مصلحت عمومی را محکوم می‌کند تحقیق سریع و رسیدگی صحیح در واقعه اول بهمن ماه را با حضور و شرکت مستقیم نمایندگان استادان و دانشجویان در کمیسیون مربوطه خواستار است.

نهضت آزادی ایران

پنجم بهمن ماه ۱۳۴۰